



بررسی خاستگاه نظریه «صرفه» و آثار آن در مبانی معتزله و شیعه

محمدهادی قندهاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۳

زهرا پنبه‌پز^۲

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۴/۲۲

چکیده

دانشمندان اسلامی برای اثبات اعجاز قرآن کریم، اقوال متعددی را در قالب عنوان «وجوه اعجاز قرآن» بیان کرده‌اند. در میان این وجوه مذکور، وجهی موسوم به «صرفه» نیز به چشم می‌خورد که برخی قائل به آن شده‌اند. نظر آنان در این قول، آن است که قرآن به خودی خود معجزه نیست و دیگران می‌توانند مانند آن را بیاورند، ولی خداوند مردم را از معارضه با قرآن بازداشته است. مقاله حاضر ضمن بیان جایگاه این نظریه در بین اندیشمندان معتزله و شیعه، به کنکاش درباره خاستگاه این نظریه پرداخته و علت طرح چنین نظریه‌ای را بافت فرهنگی و دینی، نظریه پردازی‌ها و مجادلات جدی کلامی و فقدان دلایل قوی و نیرومند برای دفاع از حقانیت قرآن و... در شرایط زمانی خاص دانسته است. در نهایت نیز با اشاره به پیامدهای این نظریه، ناسازگاری آن را با مبانی معتزله و شیعه اثبات کرده و آن را مورد نقد قرار داده است.

واژگان کلیدی

صرفه، اعجاز، شیعه، معتزله، قرآن.

طرح مسئله

مسئله «اعجاز قرآن» یکی از مباحث مهم «علوم قرآنی» است، این بحث مستند به آیات الهی کتاب خداوند است. خداوند در آیات متعددی به ناتوانی بشر در آوردن کلامی چون قرآن اشاره کرده و منکران آسمانی بودن قرآن را به آوردن ماندی برای قرآن، تحدی کرده است. پیام اجمالی آیات تحدی آن است که مردم با صرف تمام نیروی خویش و کمک گرفتن از یکدیگر در آفریدن کلامی چون قرآن ناتوان هستند.

سؤالی که از دیرباز در برابر آیات تحدی، ذهن مسلمانان را به خود مشغول ساخته است این است که چرا مردم از ارائه همانند قرآن ناتوان هستند؟ با آن که قرآن به زبان عربی است و متشکل از حروف و کلماتی است که پیش از نزول قرآن در میان عرب رواج داشته است؛ با این حال، چه خصوصیتی سبب این عجز و ناتوانی گردیده است؟ برخی اندیشمندان علوم قرآنی این اعجاز را به ذات قرآن منتسب دانسته‌اند و به ویژگی‌هایی چون فصاحت و بلاغت بسیار والای قرآن، نظم بدیع، اخبار به غیب، بلندی معنا و عمق مطالب قرآن و... به عنوان جوهی از اعجاز قرآن اشاره کرده‌اند؛ البته در میان این گروه همه، وجه اعجاز را یکسان ندیده‌اند؛ بعضی به وجوه کمتری اشاره کرده، عده‌ای نیز در تکثیر این وجوه کوشیده‌اند. گروهی نیز مجموعه‌ای از چند ویژگی را موجب اعجاز کلام الهی دانسته و هر یک از این وجوه را به تنهایی نپذیرفته‌اند. در مقابل گروهی که قائل به اعجاز ذاتی قرآن هستند، عده کمی، کلام خداوند را دارای خصوصیتی ذاتی موجب اعجاز ندانسته‌اند و کلام فصیح و بلیغ دوران جاهلیت را دارای فواید بسیار شمرده‌اند. در دیدگاه اینان، اعجاز قرآن ذاتی و درونی نیست، بلکه خداوند قادر، برای اثبات صدق پیامبر و الهی بودن کلام قرآن، مردمان را از آوردن مانند قرآن بازداشته است. به بیانی دیگر، آنچه باعث عدم امکان هم‌آوردی با قرآن است، صرف و منع خداوند است که مطلبی خارج از قرآن است.

این نظریه از دیرزمان به عنوان «نظریه صرفه» مشهور گردیده و مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این قول از نخستین وجوهی است که در بین دانشمندان اسلامی مورد بحث بوده و درباره آن نقدهای فراوان واقع شده است. بیشتر طرفداران این نظریه در قرن سوم تا پنجم می‌زیسته‌اند، اما از اوایل قرن چهارم این طرز تفکر مورد مخالفت جدی قرار گرفته است. بعضی از مخالفان، این نظریه را سخیف و حتی قابل طرح ندانسته‌اند. البته برخی هم در

جمع بین دو نظریه صرفه و اعجاز ذاتی قرآن به نحوی کوشیده‌اند و خود در حقیقت به دیدگاه سومی قائل شده‌اند.

در این مقاله، هدف ما نقد و بررسی همه‌جوه اعجاز قرآن نیست. ما تنها قول به «صرفه» را که در کلام شیخ مفید، سید مرتضی و بعضی دیگر از بزرگان آمده است، بررسی خواهیم کرد. با توجه به اختلاف نظرهای گوناگون در این زمینه، بررسی خاستگاه این نظریه و پیامدهای آن به هدف دستیابی به نتیجه‌ای روشن‌تر از جهت علمی، موجه می‌نماید.

به جهت این‌که معتزله آغازگر این نظریه است، در این مقاله به بررسی نظریه صرفه از دیدگاه معتزله و شیعه پرداخته می‌شود. نوشتار حاضر ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی صرفه و جایگاه آن را در بین معتزله و شیعه بیان کرده و سپس به بررسی خاستگاه نظریه صرفه پرداخته و در ادامه، تأثیر این نظریه بر مبانی معتزله و شیعه را مورد بررسی قرار داده و در نهایت به نقد این نظریه می‌پردازد.

معنای لغوی و اصطلاحی «صرفه»

«صرفه» در لغت از ماده «صرف یصرف» و به معنای برگرداندن چیزی از صورتی و حالی به حالی دیگر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۸۲)، یا بازگشت از مکان یا عملی که در صدد آن بودند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۹: ۱۹۰). در قرآن کریم نیز «صرف» در همین معنای لغوی استعمال شده است، مانند «ثُمَّ انصَرَفُوا»؛ یعنی از آن مکان بازگشتند و یا «صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ»^۲؛ یعنی خداوند به جهت مجازات ایشان، قلوب آن‌ها را از حق برگرداند (قرشی، ۱۳۷۱، ۴: ۱۲۳).

«صرفه» در اصطلاح یکی از وجوه اعجاز قرآن و به معنای بازداشتن خداوند از آوردن مانند قرآن به وسیله مخلوق است؛ یعنی خداوند، معارضان قرآن را که می‌خواستند در برابر تحدی قرآن، مثل آن یا سوره‌ای را بیاورند، ناتوان کرده است.

«نظام» که ایجادکننده این نظریه است، صرفه را به این معنا می‌داند که خداوند «داعی» و انگیزه دیگران را از معارضه با قرآن سلب کرده است، با این‌که اسباب و زمینه حصول انگیزه

۱. توبه (۹): ۱۲۷

۲. همان

برای آنان فراهم بوده است (رافعی، ۱۴۲۵ق: ۱۱۸). سید مرتضی بسط‌دهنده نظریه صرفه در شیعه است. او بر این باور است که خداوند علومی را که برای آفریدن کلامی چون قرآن مورد نیاز است، از آن‌ها سلب کرده است (سید مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۳۳). در معنایی دیگر می‌توان گفت: منکران معارض از انگیزه و دانش لازم برخوردارند، ولی خداوند قدرت آمدن به میدان مبارزه را از آن‌ها می‌گیرد (معرفت، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

جایگاه نظریه صرفه در معتزله و شیعه

برای شناخت جایگاه نظریه صرفه شایسته است برخی موافقان و مخالفان این نظریه در دو مکتب شیعه و معتزله مورد بررسی قرار گیرند تا میزان اعتبار این نظریه مشخص گردد.

۱. جایگاه نظریه صرفه در معتزله

معتزله، نخستین کسانی هستند که این نظریه را مطرح کرده‌اند. ابتدا «ابراهیم نظام» گمان می‌کرد نظم و تألیف قرآن حجتی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۳۳۸). مشهور است که او نخستین کسی است که این نظریه را عنوان کرد.^۱ برخی بر این اعتقادند که قول صرفه ابتدا توسط «عیسی بن صبیح المزدار» بیان گردید. وی هرچند فرد زاهدی بود، از لحاظ اعتقادی منحرف بود و اکثر اهل زمین را تکفیر می‌کرد. این نظریه، از او به نظام منتقل شد و نظام آن را توسعه و گسترش داد (درویش، ۲۰۰۹: ۱۴۸). برخی حتی درباره نظام نیز چنین نظری دارند و معتقدند او پیش از این نیز کتاب *نصر الثلاث علی التوحید* را تألیف کرده بود؛ لذا بیان چنین نظریه‌ای از سوی وی را در جهت کفر به قرآن دانسته‌اند (بغدادی، ۱۴۰۹ق: ۸۱).

از دیگر بزرگان معتزله که قول به صرفه را عنوان کرده است، «جاحظ» است که از شاگردان نظام بود. هرچند برخی بر این اعتقادند که جاحظ، اعجاز قرآن را در نظم قرآن و فصاحت و بلاغت آن می‌دانست و کتاب *نظم القرآن* را نیز در بیان اعجاز قرآن و ردّ نظریه صرفه تألیف کرد، اما بعد، نظریه صرفه را از روی جدل و در پاسخ شبهه‌ای ابراز داشت که از وی پرسیدند. وی برای ردّ شبهه، قول صرفه را بیان کرد (درویش، ۲۰۰۹: ۱۵۷).

۱. هرچند در انتساب این نظریه به وی تردید شده. نسبت این نظریه به وی، از سوی مخالفان او از اشاعره، مجره و حشویه صورت گرفته است (ر.ک: جواهری، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

«ابواسحاق نصیبی» که معاصر شیخ مفید رحمته بود نیز در مسئله وجوه اعجاز قرآن، قائل به صرفه است (جعفری، ۱۳۸۷: ۸ و ۹). «علی بن عیسی الرمانی» نیز وجوه اعجاز قرآن را هفت چیز می‌شمارد که یکی از آن‌ها صرفه است (خلف الله احمد و زغلول سلام، ۱۳۷۶ق: ۷۵). غیر از این چهار نفر افراد دیگری از معتزله نیز قائل به صرفه بوده‌اند از جمله: عباد بن سلیمان الصیمیری، هشام بن عمرو الفوطی و... (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۳۳۸) به این ترتیب مشخص می‌گردد که نظریه صرفه، نظریه‌ای قابل توجه در معتزله است و برخی از بزرگان معتزله قائل به صرفه هستند.

۲. جایگاه نظریه صرفه در شیعه

قول به صرفه در میان متکلمان شیعه نیز طرفداران متعددی دارد. دست‌کم سه نسل پیاپی از متکلمان شیعه معتقد به صرفه بودند. با وجود این، در بعضی از کتب متأخرین چنین قلمداد شده است که گویا در میان متکلمان شیعه تنها سید مرتضی علم‌الهدی این عقیده را داشته؛ در حالی که چنین نیست و از علما و متکلمان بزرگ شیعه، هم پیش از سید و هم پس از او کسانی قائل به صرفه بوده‌اند. البته سید در کتاب‌های خود این مسئله را با تفصیل بیشتری آورده و حتی کتاب مستقلی در این باره نوشته است. سید مرتضی در اکثر کتاب‌های کلامی خود این نظریه را عنوان کرده و با استدلال‌های متعددی در اثبات آن کوشیده است و شبهاتی را که بر این نظریه شده، به تفصیل مطرح کرده و به آن‌ها پاسخ داده است. او کتاب *الموضح عن جهة اعجاز القرآن* را که به «الصرفه» مشهور است، در تبیین و تشریح نظریه صرفه تألیف کرد. شیخ مفید نیز از جمله افرادی است که قول به صرفه را در جهت اعجاز قرآن اختیار کرده است. شیخ مفید در مقام متکلم و مناظره‌گری بی‌بدیل، به دفاع از کیان تشیع می‌پرداخته و با علمای فرقه‌های مختلف مناظره می‌کرده است (ر.ک: مؤدب، ۱۳۷۹: ۵۰-۵۳).

شاید همین شرایط، سبب استفاده این بزرگان از همه وجوه گردیده که به نحوی بیان‌گر اعجاز قرآن است. بنا بر کتاب *اوائل المقالات فی المذاهب المختارات* شیخ مفید نظریه صرفه را پذیرفته است، اما بزرگانی چون علامه مجلسی و قطب راوندی نظریه دیگری را به وی نسبت داده‌اند که او اعجاز قرآن را در فصاحت، بلاغت و اخبار غیبی و الهی می‌داند. بنا بر نظر این بزرگان، او اعجاز بیانی قرآن را پذیرفته و قائل به آن بوده است؛ اما با توجه به این‌که شاگردان شیخ مفید نظریه صرفه را پذیرفته‌اند و این‌که منشأ نظریه صرفه متکلمان بوده‌اند و با دقت در

عبارات کتاب *اوائل المقالات* به این نتیجه می‌رسیم که شیخ مفید حداقل در برهه‌ای از زمان این نظریه را پذیرفته و به بیان آن پرداخته است و شاید بعدتر از آن عدول کرده و همان اعجاز در بلاغت و فصاحت را مدنظر قرار داده باشد (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۳۳۸؛ صفایی، ۱۳۹۱: ۵۲).

شیخ طوسی نیز در بعضی از کتاب‌های کلامی خود، قول به صرفه را تقویت کرده است. او در کتاب *تهمید الأصول* که شرحی بر *جمل العلم سید مرتضی* است، به تفصیل دلایل قول به صرفه را ذکر کرده و اشکالاتی را که به این نظریه وارد شده، پاسخ داده و حتی اشکالاتی را که ممکن است به نظر کسی برسد نیز پاسخ داده است. البته شیخ طوسی بعدها از قول به صرفه برگشت و در کتاب *الإقتصاد* به این مطلب اشاره کرد. شاید بتوان گفت، شیخ از اول هم قائل به این نظریه نبوده و سخنان او در *تهمید الأصول* فقط شرح کلام سید مرتضی بوده است (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۳۴۳؛ جعفری، ۱۳۸۷: ۱۷).

«ابوالصلاح حلبی» از مشایخ شیعه در قرن پنجم بود. او از شاگردان سید مرتضی و شیخ طوسی بود. این دانشمند و متکلم معروف شیعه نیز قائل به صرفه است (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۳۴۲؛ جعفری، ۱۳۸۷: ۱۷).

«ابن سنان خفاجی»، دانشمند ادیب و شاعر شیعه‌مذهب نیز معتقد است خداوند علومی که اعراب داشتند را از آن‌ها گرفت. وی حتی نظر «ابوالحسن علی بن عیسی رمانی» را درباره فصاحت، بلاغت و... قرآن نقض می‌کند و بر او ایراد می‌گیرد که چرا چنین نظری را بیان کرده است (خطیب ۱۹۷۴: ۳۷۱-۳۷۲؛ سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۳۴۳).

با توجه به آنچه از متکلمان اسلامی از معتزله و شیعه نقل گردید، چنین به نظر می‌رسد قول به صرفه که اکنون متروک است، در زمان‌های پیشین دارای اعتبار بوده و افراد متعددی قائل به آن بوده‌اند؛ البته کتب کلامی بسیاری از متکلمان از بین رفته، و گرنه ممکن بود قائلان بیشتری برای آن پیدا کرد.

خاستگاه نظریه صرفه

آنچه در این جا حایز اهمیت است این‌که چه چیزی سبب طرح چنین نظریه‌ای گردید؟ نظریه‌ای که هم از حیث نظری و هم از حیث عملی، ظاهراً غیر معقول به نظر می‌رسد. با تعمق

بیشتر درباره این نظریه می‌توان گفت، برخی از عوامل زمینه‌ساز و مؤثر در شکل‌گیری این نظریه عبارتند از:

۱. مجادلات جدی کلامی و تلاش برای اثبات حقانیت قرآن

هرچند زمینه بحث اعجاز، در بین کسانی که آیات قرآن را می‌شنیدند، از همان زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشته است، اما نخستین متون بازمانده که مستقیماً بر اعجاز قرآن دلالت دارند، به قرن سوم بازمی‌گردند که میدان مباحثات علمی میان مسلمانان با ملحدان و پیروان سایر فرق، شیوع فراوانی یافت. از همین روی، گروهی از متکلمان به دفاع از حقانیت قرآن پرداختند. از آن‌جا که نظریه صرفه تقریباً از اولین تلاش‌ها در جهت اثبات حقانیت قرآن و پاسخ‌گویی به شبهات به شمار می‌رود، طبیعی است که از قوت چندانی برخوردار نباشد و شاید فقط برای اثبات این‌که کسی نمی‌تواند مانند قرآن بیاورد، چنین دیدگاهی را بیان داشته‌اند. پس از این دوره بود که پژوهش‌گران علوم قرآنی تلاش‌های گسترده‌ای در زمینه بحث اعجاز قرآن انجام دادند و درباره زیبایی‌های لفظی و معنوی آن غور و بررسی بیشتری کردند.

گاه با اقرار به این‌که برخی آیات در اوج فصاحت و بلاغت هستند، مدعی شدند که برخی آیات قرآن اعجازی ندارند؛ مانند آیاتی که نقل قول دیگران است یا آیاتی که از ردیف کردن نام انبیا تشکیل شده است، اگر این آیات که نقل قول دیگران است اعجاز باشد، دلیلی جز صرفه ندارد، چراکه پیش‌تر همین آیات را دیگران در موارد نقل قول بیان کرده بودند؛ پس خداوند آن‌ها را کلام خود قرار داده و دیگران را از آوردن مثل آن منع کرده است (اندلسی، ۱۴۱۶ ق، ۲: ۵۳). در حقیقت، خداوند توان معارضه و مقابله با قرآن مجید را از مردم گرفته است، وگرنه هم‌آوردی با قرآن کریم در توان مردم بوده است. خداوند، قرآن را به عنوان حجتی بر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل نکرده است و اعراب تنها به این خاطر با قرآن معارضه نکرده‌اند که خداوند آن‌ها را از این کار بازداشته است (زرزور، ۱۴۲۶ق: ۴۷۶). اگر منع و صرف الهی نبود، چه بسا که مردم بر آوردن همانند قرآن قادر بودند (اشعری، ۱۴۰۰ ق: ۲۲۵).

۲. دفاع معتزله از نظریه خلق قرآن

عامل دیگری که تا حدودی بر بالندگی گفتمان کلامی و ادبی حول اعجاز قرآن تأثیرگذار بوده است، اختلاف شدید بر سر مخلوق بودن قرآن است. معتزله، جدی‌ترین حامیان این

دیدگاه بودند که قرآن همچون دیگر اشیا، مخلوق خدا در زمان و مکان است (اشعری، ۱۴۰۰ ق: ۲۲۵). بنابراین، معتزله متن قرآن را متمایز از متون بشری نمی‌دانستند، بلکه وجه اعجاز را در چیزی که به ساحت مقدس پروردگار مرتبط می‌شود و از متن جداست، جست‌وجو می‌کردند و آن صرفه بود. به مدد این نظریه، حادث بودن کلام الهی و معجزه بودن آن قابل جمع است (جواهری، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

۳. نهضت ترجمه

بعد از نهضت ترجمه که گروهی از معتزله شروع به آموختن فلسفه یونان و غیر آن کردند، میان «فلسفه» که عبارت است از امور نظری و «دین» که بر مبنای قطعی استوار است، آمیختگی پدید آمد و علما با یکدیگر در موضوعاتی مخالفت می‌ورزیدند؛ لذا عقاید آنان درباره وجه اعجاز قرآن متفاوت گردید و هر کدام راهی را در پیش گرفتند. در این روزگار بود که نظریه صرفه مطرح گردید (رافعی، ۱۴۲۵ق: ۱۱۸).

۴. تقلید از براهمه

یکی دیگر از اسباب پدید آمدن قول صرفه، تقلید از براهمه است. از آن‌جا که براهمه چنین اعتقادی درباره کتاب مقدس «فیدا» دارند، زمانی که معتزله کتب فلاسفه را قرائت کردند و از مذهب براهمه مطلع شدند، تحت تأثیر آن قرار گرفته و چنین نظری را درباره قرآن بیان کردند؛ در حالی که کتاب *فیدا* مشتمل بر اشعاری است که به گمان آن‌ها معجزه است و در حقیقت اعجازی در آن نیست (درویش، ۲۰۰۹: ۱۴۸-۱۴۹).

۵. عقل‌گرایی معتزله

یکی از اسباب به وجود آمدن چنین نظریه‌ای، روش معتزله در بررسی مسائل گوناگون است که صرفاً مبتنی بر عقل است. همان‌گونه که رافعی از قول جاحظ بیان کرده است، عیب نظام - که از او جدا نمی‌شد - آن بود که قیاس‌های او بر اساسی استوار نبود و اگر به جای قیاس خود، اصلی را که پایه آن قیاس است تصحیح می‌کرد، عقیده او برخلاف آن می‌شد؛ اما او گمان می‌کرد و بر اساس آن گمان و حدس خود، سخنی را چنان نقل می‌کرد که شنونده یقین می‌کرد آن را به چشم خود دیده یا خودش آن را آزموده است (رافعی، ۱۴۲۵ق: ۱۱۹).

۶. تفسیر ویژه معتزله از عدل الهی

از دیگر دلایلی که سبب شکل گرفتن چنین نظریه‌ای شد، می‌توان به دومین مبدأ اعتقادی معتزله اشاره کرد؛ چنانچه منیر سلطان در کتاب خود ادعا کرده است: عدل الهی از اصولی است که بر اساس آن معتزله معتقد است بنده، قادر به انجام هر کار خیر و شری است و هر آنچه را که قادر نباشد، خداوند به سبب حکمتی او را منصرف کرده است (منیر سلطان، بی‌تا: ۵۵).

۷. برداشت نادرست از برخی آیات قرآن

خاستگاه دیگری که ممکن است زمینه این نظریه را فراهم آورده باشد، نوعی برداشت از آیاتی است که در آن‌ها از صرف الهی درباره منافقان و معاندان خبر داده است.

ادله قائلان و مخالفان نظریه صرفه

طرفداران نظریه صرفه جهت اثبات نظریه‌شان، ادله متعددی ذکر کرده‌اند. مخالفان نیز دلایل مخالفت خود را بیان کرده‌اند.

۱. ادله قائلان نظریه صرفه

از جمله دلایلی که قائلان نظریه صرفه به آن استدلال کرده‌اند، عبارت است از:

۱-۱. انصراف اهل فصاحت و لغت از هم‌آوردی با قرآن

انصراف اهل فصاحت و لغت از هم‌آوردی مثل قرآن، اگرچه توانایی آوردن مثل آن را دارند، خودش دلیل بر نبوت و معجزه است؛ لذا صرفه از دلایل اعجاز قرآن و ناتوانی مردم در معارضه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هم‌آوردی قرآن است (معرفت، ۱۳۸۶، ۴: ۱۵۶). خارق‌العاده بودن آن به این جهت است که آن‌ها هم می‌توانستند به مقابله برخیزند (قدرت مقابله با قرآن) و هم با آیات تحدی بر این امر تحریک گردیده، موقعیت و افتخارات خویش را در معرض خطر جدی دیده، در پی چاره‌ای می‌گشتند (انگیزه شدید برای مقابله)؛ اما در مقام معارضه برنیامدند و این چیزی جز صرف انگیزه آنان از سوی خداوند نبوده است و این مطلب فی‌نفسه اعجاز قرآن را نمایان می‌سازد (سید مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۳۶).

۲-۱. عدم تفاوت اعجاز‌آمیز بین قرآن و اشعار عرب

توجه به اینکه فاصله بین فصاحت سوره‌های مفصل و قصاید فصیح عرب بر ما روشن نیست

- به آن روشنی و وضوحی که به تأمل و تخصص نیاز نداشته باشد - و اگر فرقی باشد تنها متخصصان آن را درمی‌یابند، این نکته را به دست می‌دهد که کلام قرآن معجزه نیست و مردم از معارضه آن باز داشته شده‌اند (سید مرتضی، ۱۴۱۱ ق: ۳۷۹). اگر فصاحت و بلاغت و یا نظم و اسلوب و چیزهایی از این قبیل دلیل اعجاز بود، باید میان جملات قرآن و عباراتی که از فصحای عرب نقل شده است، تفاوت بسیار شدیدی حس می‌کردیم (سبحانی، ۱۴۱۲ ق، ۳: ۳۳۹) و خارق‌العاده بودن آن را هنگام مقایسه با کلام فصحای عرب به روشنی درک می‌کردیم، در حالی که چنین نیست. البته قرآن از لحاظ فصاحت و بلاغت بر کلمات فصحا برتری دارد، ولی این برتری در حدّ آن خارق‌العادگی که معجزات دیگر در مقایسه با کارهای مشابه دارند، نیست. ما بدون آن‌که بیندیشیم، تفاوت میان طبقه نخستین از شعرا را با شعرای متأخرین به وضوح درک می‌کنیم و لازم نیست که به متخصصان علم فصاحت مراجعه کنیم و می‌دانیم که تفاوت میان این دو در حدّ خارق‌العادگی نیست (سید مرتضی، ۱۴۲۴ ق: ۳۶).

۳-۱. محال نبودن تألیف سخن فصیح

یکی دیگر از دلایل اعتقاد به نظریه صرفه و بازدارندگی خداوند از معارضه این است که مواد این مبارزه در اختیار همگان است؛ با توجه به قدرت بشر بر ایجاد حروف و کلمات، طرز ترکیب‌بندی کلمات فی نفسه امری محال و خارج از قدرت بشر نیست (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۶۹).

۲. ادله مخالفان نظریه صرفه

مخالفان نظریه صرفه، دلایل متعددی در جهت ردّ نظریه صرفه بیان کرده‌اند؛ از جمله این استدلال‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۲-۱. منافات نظریه صرفه با آیات تحدی

مضمون آیات «تحدی» اثبات‌کننده اعجاز قرآن است (طباطبائی، ۱۴۲۳ ق: ۷). نظریه صرفه با آیات تحدی منافات دارد. به نظر می‌رسد آیات تحدی بر اعجاز ذاتی قرآن دلالت می‌کنند، به دلیل این‌که اگر مصروف از معارضه بودند، هم‌چنان‌که جمع انس و جن بی‌فایده بود، خواندن همه افراد و شاهدان آنان نیز بی‌فایده می‌نمود و اعجازی در قرآن وجود نداشت (ابوصعیلک، ۲۰۰۲: ۹۲). خداوند در این آیات از مردم می‌خواهد که اگر در اعجاز این کتاب

تردید دارید، مانند آن را بیاورید؛ با وجود این، چگونه می‌توان معتقد شد خداوند، در همان حال مبارزه‌طلبی، مردم را منع از معارضه هم کرده است؟ و این تناقض آشکار از خداوند حکیم، قبیح و محال است (خطیب، ۱۹۷۴: ۳۶۵).

۲-۲. اعجاز فصاحت و بلاغت قرآن

فصاحت و بلاغت قرآن از حدود توانایی بشر خارج است و این مطلب آن‌قدر روشن بود که هر فرد منصفی را به اقرار واداشت (خویی، ۱۴۲۷ق: ۴۳). فهم ارتکازی مردم از آیات تحدی نیز عجز را از آوردن قرآن تأیید می‌کند و اگر قرآن از چنین امتیازی برخوردار نبود، تعبیر اجتماع و همراهی جنّ و انس بر آوردن مانند آن، سازگار با اوصاف قرآن نبود (خلف الله و زغلول، ۱۳۷۶: ۲۳؛ سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۳۴۷). معتقدان به صرفه در حقیقت، واقعیت تحدی و مبارزطلبی قرآن را درک نکرده‌اند، زیرا هدف خداوند از تحدی این بوده است که با نمایاندن اعجاز قرآن، مردم به این حقیقت دست یابند که قرآن، کتاب هدایت‌بخش و برنامه زندگی بشر است؛ لذا بایستی دلیلی از درون قرآن گواه بر این مطلب باشد (الدغامین، ۱۴۱۹ق: ۵۱).

۳-۲. عدم وجود مشابه قرآن در کلام عرب جاهلی

اگر بر اساس ادعای قائلان صرفه اعراب از معارضه قرآن باز داشته شده‌اند، لازمه آن این است که کسانی که در دوران جاهلیت یا پیش از نزول آیات تحدی به گفتن اشعار و نثرها مبادرت می‌ورزیدند، کلامی در پایه فصاحت و بلاغت قرآن گفته باشند، زیرا نظریه صرفه بعد از نزول قرآن و آیات تحدی معقول است نه پیش از آن؛ در حالی که در تاریخ هیچ شاهدهی بر آن یافت نمی‌شود که عرب‌ها با اشعار و سخنان پیشین خود به معارضه قرآن پرداخته باشند. تحیّر و شگفتی آنان از آیات قرآن دال بر تفاوت عمده قرآن با آثاری است که با آن مأنوس بودند (رافعی، ۱۴۲۵ق: ۳۶؛ سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۳۴۵؛ درویش، ۲۰۰۹: ۱۵۴).

۴-۲. منافات نظریه صرفه با قدرت و اعجاز الهی

اعجاز قرآن به این معنا که هر گاه کسی بخواهد مثل قرآن سخن بگوید، خداوند او را از این کار منصرف کرده به کار دیگری مشغول می‌کند و یا آن‌که خدا قدرت او را سلب می‌کند که توان سخن گفتن مثل قرآن را نداشته باشد، این نشانه قدرت و اعجاز نیست (خطیب، ۱۹۷۴: ۳۶۵). این به آن می‌ماند که ده نفر در مسابقه‌ای شرکت کنند و یکی از آن‌ها ادعا کند که

هیچ کس همانند من توان دویدن ندارد؛ آن گاه هنگام شروع مسابقه، پاهای نه نفر دیگر را ببندد و خود به تنهایی بدود و در آخر هم ادعا کند هیچ کس مثل من نمی تواند بدود! تحدی قرآن به این معناست که شما هم که مواد اصلی سخن و پیدایش چنین قرآنی در اختیارتان قرار دارد، اگر در وحی بودن قرآن تردید دارید، همانند آن سخن بگویید (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۹).

۲-۵. مناسبت بیشتر نظریه صرفه با کلام عادی

اگر کلام قرآن به واسطه صرفه الهی زمینه اثبات نبوت را فراهم می آورد، مناسب تر آن است که قرآن کریم از نثر و نظم معمولی و بلکه رکیک برخوردار باشد، چراکه مخالفان در مواجهه با کلام رکیکی که بر آوردن مثل آن قادر نیستند، خیلی روشن تر دست خداوند در ایجاد صرف و منع را خواهند دید؛ مانند پیامبری که بگوید اعجاز من آن است که در حالی که از لحاظ جسمی سالم هستید، هیچ یک قدرت ندارید دست بر سر بگذارید و من دستم را روی سر می گذارم! در این جا مردم از قدرت پیامبر و عجز خودشان تعجب می کنند (ر.ک: درویش، ۲۰۰۹: ۱۵۲؛ مخلوف، ۱۹۷۸: ۱۶۷).

۲-۶. تحیر اعراب

اگر اعجاز قرآن به صرفه بازگردد، نه به خود قرآن، شایسته بود که به چیزی که دلالت بر بزرگی شأن قرآن در نزد آن ها باشد و به بهت آنان نسبت به قرآن دلالت کند، زبان نگشایند، نه این که با شنیدن آیات قرآن چنان تحت تأثیر قرار گیرند که آن را سحر بنامند؛ در حالی که با شنیدن آثار امرء القیس، عنتره و... این گونه نبود (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۳۴۵).

۲-۷. وجود اعجاز ذاتی و محدود نشدن اعجاز قرآن به فصاحت و بلاغت

قرآن کریم از يك جنبه خاص معجزه نیست که با به چالش کشیدن آن جنبه، به کتابی عادی مبدل شود، بلکه اعجاز آن وجوه متعددی دارد و برای تمامی انسان ها و در تمام زمان ها تا ابد معجزه به حساب می آید. شگفتی های قرآن محدود به جنبه فصاحت و بلاغت آن نمی گردد، بلکه در محتوای آن از جمله معارف بی مانند، پیراستگی از اختلاف، گستردگی معارف و اخبار غیبی نیز هست که هیچ کسی نمی تواند مانند آن را بیاورد، زیرا این امور در اختیار هیچ کس نبوده و نیست، و کسی خود را در این میدان ها ماهر نمی دید تا به تحدی قرآن پاسخ بدهد. این نظریه ارزش ذاتی، ادبی - زبانی، محتوایی و سبکی قرآن را برای معجزه بودن آن کافی نمی داند، در

حالی که افرادی که در طول تاریخ به معارضه با قرآن پرداخته‌اند، به عجز ذاتی معترفند (خطیب، ۱۹۷۴ق: ۳۶۵).

همین که در توان انسان نیست کتابی تألیف کند که با وجود این که درباره مطالب متنوعی سخن گفته باشد، هیچ‌گونه اختلاف و خطایی در آن نباشد، بر اعجاز قرآن دلالت دارد، زیرا اگر همه عالم متفق شوند که کتابی حتی در زمینه علوم تجربی که احتمال خطا کمتر است، تألیف کنند، ممکن است با گذشت ده سال هم چنان معتقد به عدم وجود خطا در آن باشند، ولی بعد از صد سال هیچ‌کس در این که احتمال خطا در آن است، تردیدی ندارد. در این حال می‌بینیم بیش از هزار سال از نزول قرآن می‌گذرد و هیچ خطایی در آن یافت نشده است (الزین، ۱۴۲۵ق: ۲۶ و ۲۷).

۸-۲. لازمه صرفه؛ عارض شدن نقص و تغییر بر اعراب

اگر آن‌گونه که معتقدان به صرفه معتقدند، اعراب آنچه را از پیش می‌دانستند پس از تحدی از دست داده بودند، این مستلزم پدیدار شدن نقص و تغییر در دانسته‌های آن‌ها می‌شد و آن‌ها مسلماً این تغییر را حس می‌کردند (علوی یمنی، ۱۴۲۲ق: ۱۳۸). لازمه صرفه اعتراض اعراب به پیامبر در این زمینه است؛ آنان از خود تعجب می‌کردند و از آن‌که پیش‌تر کاری بر آن‌ها آسان بود و حال مشکل شده، تعجب می‌کردند (بغدادی، ۱۴۰۹ق: ۲۳۷). یقیناً از سر تعجب، حالت مزبور را برای دیگران نقل خواهند کرد، چراکه اگر این نقصان را نیابند، دلیل رسالت و اعجاز بر آن‌ها تمام نخواهد شد. دست‌کم باید در مذاکرات دوستانه به این نقص حادث شده اشاره کرده و از این حالت به هم شکوه می‌بردند، در حالی که هرگز چنین اعتراضی از آن نقل نشده است؛ حتی در تاریخ یک مورد هم نقل نشده است (جرجانی، ۱۴۲۴ق: ۶۱۴ و ۶۱۵؛ درویش، ۲۰۰۹: ۱۵۲).

۹-۲. نقض عملی نظریه صرفه

قول به صرفه نه تنها از جنبه نظری خدشه‌پذیر است، بلکه از جنبه عملی نیز بطلانش ثابت گشته است، زیرا تاریخ برخی از معارضه‌ها را ثبت کرده است که البته مایه عبرت و شگفتی است، اما سرانجام جز خسارت و فضاحت برای معارضه‌کنندگان چیز دیگری حاصل نشده است. در دوران مختلفی از صدر اسلام تا قرن حاضر، افرادی به معارضه با قرآن پرداخته و

سوره‌هایی را که گاهی نیز در دیدگاه جاهلان هم آورد قرآن قلمداد شده، ارائه کرده‌اند. از جمله افرادی که در قرون گذشته و نزدیک به بعثت به معارضه برخاسته‌اند عبارتند از: مسیلمة الکذاب، طلحة بن خویلد اسدی، الأسود العنسی و... (خطیب، ۱۹۷۴: ۳۷۱ و ۳۷۲).

۱. آثار نظریه صرفه بر مبانی معتزله و شیعه

با اندکی توجه در نظریه صرفه روشن می‌گردد که این نظریه با مبانی اعتقادی پذیرفته‌شده شیعه و معتزله سازگار نیست. در این جا به طور مختصر به ناسازگاری این نظریه با برخی مبانی معتزله و شیعه اشاره می‌گردد.

۱. آثار نظریه صرفه بر مبانی معتزله

یکی از اصول مهم معتزله که از اصول خمسة آنها شمرده می‌شود، اعتقاد به اصل «عدل» است. قاضی عبدالجبار در توضیح صفت عدل می‌گوید: «فان قيل: فما العدل؟ قيل: العلم بتنزيهه تعالى من أمور ثلاثة: أحدها: القبايح أجمع و ثانيها: تنزيهه عن أن لا يفعل ما يجب من ثواب وغيره و ثالثها: تنزيهه عن التعبد بالقيح و خلاف المصلحة و اثبات جميع أفعاله حكمة و عدلا و صوابا» (قاضی عبدالجبار معتزلی، ۱۹۶۵-۱۹۶۲ م، ۱۶۹). بر این اساس، همه افعال خدای متعال بر اساس حکمت و مصلحت است و او منزّه از انجام هر گونه قبیح است؛ در حالی که نظریه صرفه، مخالف حکمت و عدل الهی است. این که خداوند در آیات تحدی از مردم می‌خواهد اگر در اعجاز این کتاب تردید دارید و آن را سخنان يك انسان می‌دانید، مانند آن را بیاورید، با وجود این که مدعی آزادی آنها در معارضه می‌شود و مکرراً از آنها می‌خواهد اگر به نظرشان اعجاز نیست مانند آن را بیاورند، با این حال خودش به اجبار مانع شود از این که مردمی که قادر بر آن هستند بتوانند همانندی برای قرآن بیاورند، این تناقض آشکار از خداوند حکیم، قبیح و محال است.

۲. آثار نظریه صرفه بر مبانی شیعه

قرآن و روایات دو منبع اصلی شیعه در شناخت معارف دینی است، اما نظریه صرفه نه با قرآن و نه با روایات معصومین علیهم‌السلام سازگار است. نظر امامان شیعه از آن جهت اهمیت دارد که امامت از کلیدی‌ترین آموزه‌های شیعه است و بر اساس اعتقاد شیعه، امام معصوم تبیین قرآن را بعد از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عهده‌دار است.

در قرآن کریم آیاتی است که بر اعجاز ذاتی قرآن دلالت دارد. هرچند طرفداران صرفه نیز در اثبات ادعای خود به آیاتی از قرآن متمسک شده‌اند، از آن‌جا که در سخنان هیچ‌یک از معصومان علیهم‌السلام حتی اشاره‌ای به صرفه نشده است و در تبیین هیچ‌یک از آیات قرآن سخنی از صرفه به میان نیامده است، لذا این‌که طرفداران صرفه برخی آیات را دال بر صرفه گرفته و بر آن اساس به تأویل و تفسیر آن‌ها پرداخته‌اند، مورد اعتنا واقع نمی‌شود. در مقابل، سخنان فراوانی از معصومان علیهم‌السلام موجود است که دال بر اعتقاد به اعجاز ذاتی قرآن است، به طوری که علامه مجلسی در بحارالأنوار ذیل عنوان «معجزات حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» یک باب را به «اعجاز القرآن الکریم» اختصاص داده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۷: ۱۵۹-۲۲۵). بنابراین با قبول نظریه صرفه باید بسیاری از سخنان ائمه اطهار علیهم‌السلام را نادیده گرفت.

به نظر می‌رسد، هرچه در این زمینه بیشتر غور و بررسی گردد، جنبه‌های بیشتری از ناسازگاری این نظریه را با مبانی مورد قبول شیعه و معتزله می‌توان پیدا کرد که در این پژوهش صرفاً جهت تذکر این ناسازگاری در هر یک (شیعه و معتزله) به دو مورد از موارد نقض اصول اشاره گردید.

نتیجه‌گیری

آنچه به صورت مختصر می‌توان در این زمینه بیان کرد، عبارت است از این‌که: نظریه صرفه در قرون سوم تا پنجم طرفداران قابل توجهی داشته است؛ هرچند با مراجعه به کتب کلامی و تفسیری، به خصوص کتاب‌هایی که از قرن پنجم به بعد نگارش یافته است، چنین به نظر می‌رسد که قول به «صرفه» قول شاذی است. برخلاف آنچه در دیدگاه بعضی معاصران آمده و ارائه نظریه صرفه را مانع تلاش گسترده در راه فهم وجوه اعجاز قرآن از سوی متأخران وی دانسته است، به نظر می‌رسد این نظریه سهم بزرگی در راه شکوفایی هرچه بیشتر و تلاش گسترده‌تر پژوهش‌گران علوم قرآنی در زمینه بحث اعجاز قرآن داشته است.

از آن‌جا که نظریه صرفه تقریباً از اولین تلاش‌ها در جهت اثبات حقانیت قرآن و پاسخ‌گویی به شبهات به شمار می‌رود، طبیعی است که از قوت چندانی برخوردار نباشد و حتی برعکس؛ دقت در محتوای آن بیان‌گر آن است که این نظریه از قداست و شأن قرآن می‌کاهد!

یکی از دلایلی که معتزله چنین نظری را بیان کرده‌اند، روش عقلی آن‌ها درباره معارف است؛ لذا در این زمینه هم مانند بسیاری از امور دیگر نتوانستند توجیه منطقی ارائه دهند، چراکه عقلی که در معتزله ملاک امور واقع شده است، عقل ظنی و وهمی است نه عقل قطعی؛ لذا بر این اساس است که در برخی اعتقادات به خطا رفته‌اند.

علاوه بر مجادلات جدی کلامی و فقدان براهین مستحکم در دفاع از حقانیت قرآن، از مهم‌ترین عواملی که زمینه شکل‌گیری چنین نظریه‌ای را فراهم کرد، می‌توان به دفاع معتزله از نظریه خلق قرآن، نهضت ترجمه، تقلید از براهمه، تفسیر ویژه معتزله از عدل الهی و برداشت نادرست از برخی آیات قرآن اشاره کرد.

حقیقت آن است که سخن گفتن مانند قرآن برای بشر محال است. آنچه بشر را محدود کرده، آن‌گونه که مدعیان نظریه صرفه گمان کرده‌اند، بازدارندگی خاص الهی در این زمینه نیست، بلکه معلولیت و مخلوقیت اوست که توان معارضه و مقابله را از او سلب کرده است؛ لذا کلام بشر نیز که ناشی از قدرت بشر است، توان مقابله با کلام الله را ندارد و قرآن مجید کتابی منحصر به فرد، تأثیرگذار و بی‌مانند بوده و در خود زیبایی‌های ظاهری و بیانی، و زیبایی‌های معنوی و معرفتی را یکجا جمع کرده است.

منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
 ۲. ابوصعیدیک، محمد عبدالله، (۲۰۰۲)، *ابن حزم و آراؤه فی علوم القرآن و التفسیر*، عمان، دار البشیر.
 ۳. احمدی، حبیب‌الله، (۱۳۸۱)، *زیباترین سخن*، قم، فاطمها.
 ۴. اشعری، ابوالحسن، (۱۴۰۰ ق)، *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، آلمان- ویسبادن، فرانس شتاینر.
 ۵. اندلسی، ابن حزم (۱۴۱۶ ق)، *الفصل فی الملل و الأهواء و النحل*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
 ۶. بغدادی، بلقاسم، (۱۴۰۹ق)، *المعجزه القرآنیه*، الجزائر، دیوان المطبوعات الجامعیه.
 ۷. الجرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمان بن محمد، (۱۴۲۴ق)، *دلائل الإعجاز*، تعلیق: ابوفهر محمود محمد شاکر، قاهره، مکتبه الخانجی.
 ۸. جعفری، یعقوب، (۱۳۸۷)، *بررسی نظریه صرفه در اعجاز قرآن*، قم، تبیان.

۹. الخالدي، صلاح عبدالفتاح، (۱۴۲۵ق)، اعجاز القرآن البياني و دلائل مصدره الرباني، عمان، دار عمار.
۱۰. خطيب، عبدالكريم، (۱۹۷۴)، الإعجاز في دراسات السابقين، بي جا، دار الفكر العربي.
۱۱. خلف الله، محمد احمد و سلام، محمد زغلول، (۱۳۷۶)، ثلاث رسائل في اعجاز القرآن، قاهره، دار المعارف.
۱۲. خويي، ابوالقاسم، (۱۴۲۷ق)، مرزهای اعجاز، ترجمه: آيت الله جعفر سبحاني، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۱۳. درويش، محمد صادق، (۲۰۰۹)، اعجاز القرآن الكريم، دمشق، دار الإصلاح.
۱۴. الدغامين، زياد خليل محمد، (۱۹۹۸)، اعجاز القرآن و ابعاده الحضارية في الفكر النورسي، بي جا، دار النيل.
۱۵. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات في غريب القرآن، بيروت، دار العلم.
۱۶. الرفاعي، مصطفى صادق، (۱۴۲۵ق)، اعجاز القرآن و البلاغة النبويه، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية.
۱۷. الرماني، علي بن عيسى، (۱۳۸۱)، نكته‌ها در اعجاز قرآن كريم، ترجمه: منصور پهلوان، تهران، نبأ.
۱۸. زر زور، عدنان محمد، (۲۰۰۴)، علوم القرآن و اعجاز و تاريخ توثيقه، عمان، دائرة المكتبة الوطنية.
۱۹. الزين، محمود احمد، (۱۴۲۵ق)، القرآن اعجاز تشريعي متجدد، دبي، دار البحوث للدراسات الإسلامية و احياء التراث.
۲۰. سبحاني، جعفر، (۱۴۱۲ق)، الإلهيات على هدى الكتاب و السنة و العقل، قم، المركز العالمي للدراسات الإسلامية.
۲۱. سعیدی روشن، محمدباقر، (۱۳۷۹)، معجزه شناسی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي.
۲۲. سيد مرتضى، علي بن الحسين، (۱۳۸۲)، الموضح عن جهة اعجاز القرآن (الصرفه)، تحقيق: محمدرضا الانصاري القمي، مشهد، بنياد پژوهش‌های اسلامي آستان قدس رضوي.
۲۳. _____، (۱۴۱۱ق)، الذخيرة في علم الكلام، تحقيق سيد احمد حسيني، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۴. الطباطبائي، محمدحسين، (۱۴۲۳ق)، الإعجاز و التحدي في القرآن الكريم، اعداد: قاسم الهاشمي، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۵. _____، (۱۴۱۷ق)، الميزان في تفسير القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. العلوی الیمنی، یحیی بن حمزه، (۱۴۲۲ق)، حقائق الإعجاز من کتاب الطراز، تحقيق: محمود جيزه الله، القاهرة، الدار الثقافية.
۲۷. قاضي عبدالجبار معتزلي، (۱۹۶۵- ۱۹۶۲م)، المغني في أبواب التوحيد و العدل، قاهره، الدار المصرية.

۲۸. _____ (۱۹۷۱م)، *المختصر في أصول الدين*، بيروت. دار الهلال.
۲۹. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۳۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، تحقیق و تصحیح: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
۳۱. مخلوف، عبدالرؤف، (۱۹۷۸)، *الباقلائی و کتابه اعجاز القرآن دراسة تحليلية نقدية*، بیروت، دار مکتبه الحیاء.
۳۲. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۶)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۳. الملاحویش، عمر، (۱۴۰۷ق)، *اعجاز القرآن و علم المعانی*، کویت، مکتبه الفلاح.
۳۴. سلطان، منیر، (۱۹۸۶م)، *اعجاز القرآن بین المعتزله و الأشاعره*، اسکندریه، منشاه المعارف.
۳۵. مؤدب، رضا، (۱۳۷۹)، *اعجاز قرآن*، قم، أحسن الحديث.
۳۶. آقایی، علی، (بی تا)، «سیر تاریخی اندیشه اعجاز قرآن»، *فصلنامه پژوهش های قرآنی*، مشهد، ش ۵۴ و ۵۵.
۳۷. جواهری، محمدحسن، (۱۳۹۱)، «بازخوانی نظریه صرفه»، *مجله قیسات*، قم، ش ۶۶.
۳۸. قاضی زاده، کاظم، (۱۳۷۴)، «نگرشی به نظریه صرفه»، *فصلنامه مفید*، قم، ش ۳.